

سواد رسانه‌ای بایسته‌ها و ضرورت‌ها

انباشت دانایی در عصری که هژمونی رسانه‌ای در آن واقعیتی غیرقابل انکار است توامان با بمباران اطلاعاتی‌ای که از وجوه روزگار نو شده انسان کنونی به‌نظر می‌رسد...



انباشت دانایی در عصری که هژمونی رسانه‌ای در آن واقعیتی غیرقابل انکار است توامان با بمباران اطلاعاتی‌ای که از وجوه روزگار نو شده انسان کنونی به‌نظر می‌رسد، باعث شده تا برخی به این باور برسند که در صورت عدم درک سواد رسانه‌ای توسط اقشار مختلف به‌دلیل فراگیر شدن امواج وسایل ارتباط جمعی، انسان‌ها زیر بار فراوانی اطلاعات ناشی از وسایل ارتباط جمعی نابود خواهند شد؛ در نتیجه انسان فعال، متفکر، محرک و متحرک به تماشایی‌ای منفعل و راکد تبدیل می‌شود.

در چنین شرایطی سرعت انتقال از بین می‌رود و عکس‌العمل دفاعی در برخورد با اطلاعات تضعیف می‌شود. تا زمانی هم که شکاف میان اقلیت‌هایی که ارتباط را کنترل می‌کنند و عامه مردم که در معرض تأثیر آن قرار دارند رو به افزایش است و تا زمانی که رسانه‌ها از حریم افراد سوءاستفاده می‌کنند، نیاز به مبادله دانش و بالا بردن سطح آگاهی در خصوص استفاده از پیام‌های رسانه‌ای به صورت نیازی مبرم جلوه‌گر می‌شود زیرا اغلب شاهد هستیم که مواجهه با پیام‌های رسانه‌ای، سنجیده و هدفمند صورت نمی‌گیرد بلکه بیشتر از روی عادت است و تعداد محدودی از افراد آنچه را که در رسانه‌ها می‌بینند، می‌خوانند یا می‌شنوند، کنترل می‌کنند.

در اذهان بسیاری از مردم، اصطلاح سواد رسانه‌ای با رسانه‌های چاپی و نوشتاری عجین شده و به معنای توانایی خواندن است. برخی این اصطلاح را به سواد بصری یا دیداری که مرتبط با رسانه‌هایی چون تلویزیون و فیلم است تعمیم می‌دهند. از دیدگاه دانشمندان علوم ارتباطی، در عصر نوین سواد رسانه‌ای به تمامی رسانه‌ها اختصاص دارد. از دیدگاه سواد رسانه‌ای، ما به‌عنوان مخاطب همواره خود را در معرض رسانه‌ها قرار داده و از مفاهیم پیام‌هایی که از طریق رسانه با آن مواجه می‌شویم، تفاسیری را ارائه می‌دهیم.

ابزار این دیدگاه را مهارت‌های آن و ماده خام مورد استفاده آن را رسانه‌ها و دنیای واقعی تشکیل می‌دهند. افرادی که در سطح بالایی از سواد رسانه‌ای قرار دارند، از بینش و قدرت تشخیص وسیع و قوی برخوردارند. آنها چون از توانایی مهارت‌های بسیار پیشرفته جهت تغییر و تفسیر انواع پیام‌ها در ابعاد مختلف بهره‌مند هستند، این مهارت‌ها به آنها قدرت گزینشگری بیشتری می‌بخشد؛ بدین مفهوم که افراد با سواد رسانه‌ای می‌دانند چطور مفیدترین پیام‌ها را از حیث ادراکی، احساسی، اخلاقی و زیباشناختی انتخاب کنند. بنابراین چنین مخاطبانی بیشترین میزان کنترل را بر پیام‌های رسانه‌ای و در عین حال بر اعتقادات و رفتار خود دارند. عدم برخورداری از مهارت گزینشگری بدین معناست که شما در دنیای محصور و بسته گرفتارید و مجبورید بدون هیچ پرسشی، مضامین، ارزش‌ها، اعتقادات و تفاسیری را که در رسانه‌ها عرضه می‌کنند بپذیرید. سواد رسانه‌ای فرایندی نسبی و روندی پایان‌ناپذیر و تکاملی است که همراه رشد و بلوغ فکری، حسی و اخلاقی توسعه می‌یابد.

اهمیت آموزش رسانه‌ای

درجه نفوذ رسانه در جوامع و تأثیرات آنها به حدی است که آموزش رسانه را به امری اجتناب‌ناپذیر تبدیل کرده است. آموزش رسانه، تحلیل اجتماعی- انتقادی بر رسانه است. برای آگاهی و فهم بیشتر نحوه کار رسانه، شناخت کسانی که آن را کنترل کرده و شکل می‌دهند، نقش متخصصان، تبلیغات فروش و روابط عمومی در شکل دادن به محتوای رسانه و شیوه‌های مختلفی که مخاطبان با آن، پیام‌های رسانه را تفسیر می‌کنند، حائز اهمیت است؛ بنابراین هدف اصلی آموزش رسانه، هشیار کردن و اختیاربخشی در مواجهه با رسانه و برنامه‌ها و محتوای آن است. آموزش رسانه به افراد می‌آموزد که پیام را تفسیر و تولید کنند، مناسب‌ترین رسانه را انتخاب کنند و نقش بیشتری در تأثیرپذیری از آنها به عهده گیرند.

ضرورت سواد رسانه‌ای

سواد رسانه‌ای در جامعه به‌معنای عکس‌العمل شهروندان در قبال عملکرد رسانه‌هاست؛ یعنی آنکه شهروندان آگاه و مسئول می‌توانند زمانی که یک مورد اهانت‌آمیز از رسانه می‌بینند یا می‌شنوند، عکس‌العمل خود را در برابر آن به رسانه اعلام کنند و از سوی دیگر می‌توانند حمایت خود را از برنامه‌های با کیفیت اعلام کرده و روزنامه‌نگاری معقول را تشویق کنند؛ در واقع شهروندان می‌توانند به مشروع‌سازی گزینه‌های سالم‌تر در رسانه کمک کنند. از این منظر یک شهروند فعال و با سواد رسانه‌ای بالا می‌تواند در جهت ایجاد تغییر اجتماعی مثبت فعالیت کند. در دنیای معاصر، اطلاع‌رسانی دارای پیچیدگی‌های فراوانی است.

فهم و درک انسان‌ها از اتفاقات و رویدادهای اطراف خود، روز به روز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. افراد متفاوت ممکن است از یک اتفاق واحد، برداشت و نگرش ثابتی نداشته باشند زیرا سطح تجربیات افراد، مختلف است و رسانه نیز عوامل را از دیدگاه‌های گوناگون مورد بررسی قرار می‌دهد؛ بنابراین حافظه مخاطبین دائماً مطالبی را جایگزین مطالب قبلی می‌کند. برای آنکه مخاطبین اختیار و کنترل خود را به دست رسانه‌ها نسپارند باید از سطح دانش و فهمیدن به سطوح بالاتر حرکت کنند و به تولید علم بپردازند و در واقع یادگیری معنادار داشته باشند؛ یعنی بتوانند روابط حاکم میان اجزا و عناصر را درک کنند و عمیق دانستن را بیاموزند و از تفکر سطحی اجتناب کنند، زیرا محصول یادگیری مهم نیست بلکه فرایند یادگیری که همان قدرت استدلال، تجزیه و تحلیل، ارزشیابی، خلاقیت و پویایی است، مهم است.

با توجه به ارائه منابع اطلاعاتی بی‌شمار از سوی رسانه‌ها و قدرت عظیم و نقش روزافزون آنها در شکل‌دهی و انتقال ارزش‌ها و همچنین افزایش میزان استفاده از رسانه‌ها، بدون برخورد آگاهانه با آنها، ممکن است، توان ما از حالت مشارکت‌کننده فعال به صورت انفعالی و بی‌حرکت در مقابل پیام‌های رسانه‌ای تبدیل شود. مسئله مهارت‌های پردازش اطلاعات جدید و بازیافت اطلاعات ذخیره شده و تجهیز مخاطبین به ابزار درک و پردازش پیام‌ها و اطلاعات رسانه‌ای امری اساسی خواهد بود.

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، سواد رسانه‌ای در ارتقای عرصه‌های مختلف جامعه تأثیرگذار است. به‌عنوان مثال سواد رسانه‌ای را می‌توان به‌عنوان یک جزء لازم از تلاش‌های آموزشی در جهت ارتقای مهارت‌های تفکر نقادانه برای درک موضوعات پیچیده و تربیت شهروندان مسئول به کار گرفت.

علاوه بر این، یکی از سنتی‌ترین نگرش‌ها به موضوع سواد رسانه‌ای مبتنی بر این باور فراگیر بوده است که رسانه‌ها، مردم را وادار به انجام کارهایی می‌کنند و بر این اساس، همواره نگرانی‌های زیادی درباره نمایش آشکار خشونت گرافیکی، کاربرد کلمات موهن و... در سینما و تلویزیون وجود داشته است و لذا برخی افراد می‌خواهند با ممنوع یا قانونمند کردن نمایش صحنه‌ها و اصوات موهن، از کودکان و نوجوانان محافظت کنند، در حالی که برخی دیگر، از اعمال سانسور ابراز نگرانی می‌کنند.

در این بین، والدین و سیاستمداران به یک راه حل سریع و ساده، یعنی استفاده از یک قطعه یا تراشه الکترونیکی که مطالب موهن را حذف می‌کند، جذب شده‌اند. سواد رسانه‌ای حکم می‌کند که اگر استفاده از محصولات رسانه‌ای با دید انتقادی صورت می‌گیرد تولید آنها نیز باید بر همین مبنا باشد.